

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۷/۲۰

موضوع: مباحثی پیرامون صفات متقین از منظر امیرالمؤمنین

برنامه اخلاق علوی

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

آنکه می‌خواهد از خدا برکات

وانکه خواهد ز کبریا حسنات

با شکوه و جلال بفرستد

به علی فخر اوصیاء صلوات

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

سلام و درود و ارادت به محضر باصفا، مهربان و دوست داشتنی تک تک شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی ولایت». برنامه زنده «اخلاق علوی» را از این شبکه ملاحظه می‌فرمایید.

آرزو می‌کنم در این شب جمعه شب رحمت، شب مغفرت، شب مخصوص زیارتی سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) خداوند زیارت بامعرفت آن آقای غریب و مظلوم در کربلای معلی را نصیب همه شما کند.

یادی کنیم از همه پدران، مادران، علما، صلحا، درگذشتگان و کسانی که به گردن همه ما حق دارند و هرآنچه امروز از محبت محمد و آل محمد مدیون آنها هستیم و هرچه عشق و ارادت و معرفت به محضر حضرت امیرالمؤمنین علی (سلام الله علیه) داریم، مدیون آنها هستیم.

به روح همه آنها درود و سلام می‌فرستیم. ان شاءالله همه آنها امشب مهمان حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) هستند و از این برنامه هم بهره کافی و وافی را می‌برند.

دوستان خوب بیننده برنامه «اخلاق علوی» خیلی خوشحال می‌شویم که از طریق راه‌های ارتباطی برای شما زیرنویس شده است با ما ارتباط داشته باشید.

دوستان خوبم در ایران اسلامی می‌توانید از طریق سامانه «۳۰۰۰۱۲۰۳» به ما پیامک بدهید. همینطور هموطنان بزرگواری که در جای جای ایران پهناور هستند و دوستانی که در خارج از کشور هستند و به هر گویش و زبانی سخن می‌گویند شاید این ارتباط بهتر برقرار شود.

دوستان ما در خارج از کشور می‌توانند از طریق فضای مجازی با برنامه‌های واتس‌آپ، تلگرام و وایبر پیام‌های خودشان را برای ما بفرستند. ان شاءالله ما هم در طول برنامه سعی می‌کنیم از پیام‌های شما استفاده کنیم.

بنده تلاش می‌کنم پیام‌های شما را در برنامه بخوانم تا مدیون شما نشوم. ما منتظر شما هستیم تا امشب پیام‌های شما در برنامه «اخلاق علوی» به دست ما برسد.

امشب هم توفیق داریم در محضر استادمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم. جناب استاد! سلام علیکم و رحمة الله، خیلی خوش آمدید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز، گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند، خالصانه‌ترین سلامها را همراه با آرزوی موفقیت تقدیم می‌کنم.

خدا را به آبروی حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه)، اهل بیت گرامیش و یاران باوفایش سوگند می‌دهم به سر همه ما منت بگذارند فرج مولای ما حضرت بقية الله الأعظم را نزدیک کند و همه ما و شما گرامیان را از یاران خاص و سربازان فداکار آن نازنین وجود قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم دغدغه‌های فکری و گرفتاری‌های همه ما و شما را برطرف کند، حوائج همه ما را برطرف سازد و دعاها را به اجابت برساند با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

مجری:

استاد از شما تشکر می‌کنم. ما در برنامه «اخلاق علوی» در محضر امیرالمؤمنین استفاده از «نهج البلاغه» نورانی و بافضیلت ایشان اخلاق علوی را یاد می‌گیریم، درس می‌گیریم و ان شاء الله بتوانیم در زندگی خودمان به کار ببریم.

دوستان خوب بیننده اگر در خاطر شریفتان باشد هفته گذشته و هفته‌های قبل در محضر استاد بحثی را به صورت مبسوط از «خطبه همام» آغاز کردیم که یکی از خطبه‌های اخلاقی است. واقعاً اگر کسی بخواهد اخلاق علوی را به صورت مبسوط در زندگی خودش داشته باشد، اگر نیم نگاهی به «خطبه همام» فرموده امیرالمؤمنین داشته باشد حتماً به چیزهای خوبی می‌رسد. این خطبه به «خطبه متقین» معروف است. شخصی به نام

«همام» وقتی خدمت امیرالمؤمنین می‌رسد، از حضرت درخواست می‌کند که ویژگی‌ها و خصوصیات متقین را بیان کنند. وجود نازنین امیرالمؤمنین هم شروع می‌کنند و این مطالب را برای او بیان می‌کنند.

ما آماده هستیم اگر نکته جدیدی است حضرت استاد برای ما بفرمایند. سؤالاتی هست که خدمت عزیزان دلم عرض خواهم کرد و حضرتعالی هم ان شاءالله پاسخ می‌فرمایید.

موضوع: متقین از دیدگاه امیرالمؤمنین

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله

همانطور که حضرتعالی اشاره فرمودید، ما در جلسات قبل در رابطه با «خطبه همام» یا مشهور به

«خطبه متقین» خطبه ۱۹۳ «نهج البلاغه» با شمارش «صبحی صالح» مطالبی را عرض کردیم.

فردی از یاران حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) که مرد عابدی بود، خدمت حضرت می‌رسد و عرضه می‌دارد: یا امیرالمؤمنین! متقین را برای من توصیف کن. شاید بتوانم در خودم اوصاف متقین را احیاء کنم.

حضرت ابتدا تأمل می‌فرمایند تا عطش این شخص بیشتر شود، سپس جواب مختصری می‌دهند. امیرالمؤمنین

فرمودند:

« يَا هَمَّامُ اتَّقِ اللَّهَ وَ أَحْسِنْ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ »

ای همام، تقوای الهی پیشه کن و کار نیک انجام ده، زیرا خدا با متقین و نیکوکاران است.

صحابی امیرالمؤمنین متقاعد نمی‌شود و از حضرت تقاضا می‌کند بیش از این در رابطه با اوصاف متقین و

پرهیزکاران با او سخن بگوید. کار به جایی می‌رسد:

«حَتَّىٰ عَزَمَ عَلَيْهِ»

و حضرت را قسم داد.

حضرت حمد و ثنای الهی می‌کند و بر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درود می‌فرستد، سپس می‌فرماید:

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ خَلْقَ الْخَلْقِ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاهُ وَ لَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مِنْ أَطَاعِهِ»

اما بعد، خداوند پاک و برتر مخلوقات را آفرید در حالی که از اطاعتشان بی‌نیاز و از گناهشان ایمن بود، زیرا عصیان عاصیان به او زیان نمی‌رساند و طاعت مطیعان او را سود نمی‌دهد.

«فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ وَ وَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ»

پس از آفرینش آنان، روزی و معیشتشان را در میان آنان تقسیم کرد و هر یک را در جایگاه دنیوی‌اش جای داد.

ما این مطالب را به طور مفصل در جلسه گذشته مطرح کردیم. خداوند عالم در هرکسی ذوقی ایجاد کرده است تا نظام احسن بچرخد. به عنوان مثال در یک فرد ذوق رانندگی قرار داده است، در فرد دیگر ذوق خیاطی قرار داده است، در یک فرد ذوق نجاری و در فرد دیگر ذوق بنایی قرار داده است. در یک فرد ذوق نانوايي قرار داده است.

جامعه به تمام این افراد نیاز دارد و بشر همگی به همدیگر نیاز دارند. پادشاه و رئیس جمهوری که در بالا نشسته است به کار خیاط، نانوا و بنا نیاز دارد. همچنین خیاط، نانوا و بنا هم به پولی که از پادشاه یا رئیس جمهور می‌گیرند. زندگی باید بچرخد و اگر قرار است این زندگی بچرخد باید هرکسی علاقه و استعدادی به یک

شغلی داشته باشد تا مجموعه جهان هستی به نوعی بچرخد. ما گفتیم اگر قرار باشد در کره زمین نانو نباشد، همه مسائل به هم می‌ریزد. در این صورت شاید بشر یک هفته هم نتواند طاقت بیاورد و با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شود.

تا این قسمت مقدمه بود، اما اولین جمله‌ای که حضرت برای متقین مطرح می‌کند این است که می‌فرماید:

«فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ»

پرهیزکاران در این دنیا صاحب فضایلی هستند.

ما یک مرتبه می‌گوییم فلانی انسان بافضیلتی است، زیرا ثروت و مقام و قدرت کلانی دارد. خداوند متعال می‌فرماید:

(إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)

ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

سوره الحجرات (۴۹): آیه ۱۳

از دیدگاه خداوند عالم ملاک تقواست. حال تقوا چیست؟! اولین جمله‌ای که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید متقین خود را به آن آراسته کرده‌اند،

«مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ»

گفتارشان راست.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۰۳، خ

دقت داشته باشید «ثواب» به معنای پاداش، اما «صواب» به معنای صحیح و درست است. منطق و گویایی این افراد درست است و از دهان این افراد جز مطلب و حرف صحیح بیرون نمی‌آید. بر زبان این افراد جز کار درست و شایسته جاری نمی‌شود. در میان اعضای بدن ما هم عضوی که عمدتاً گرفتاری‌های بشر در دنیا و آخرت به آن مربوط است، زبان است.

بنده در کتاب «لب اللباب» درس عرفانی داشتم که مربوط به سیر و سلوک خصوصی «علامه طباطبایی» صاحب کتاب «المیزان» متعلق به چند تن از شاگردان خصوصی ایشان بود. به مرور زمان این کتاب به نام «عصاره سیر و سلوک لب اللباب» چاپ شد.

بنده حدود ۳۵ سال قبل در این کتاب یا کتاب «سیر و سلوک» اثر «سید بحرالعلوم» مطلبی مشاهده کردم که برایم بسیار جالب بود. در این کتاب نوشته شده بود زمانی که نبی گرامی اسلام به معراج رفتند، با انبیاء نشسته بودند و هرکدام از انبیاء هم جمله‌ای فرمودند.

به عنوان مثال حضرت داود فرمود که اگر کسی به فلان عمل ادامه دهد، گویا به تمام زبور عمل کرده است. حضرت موسی فرمود که اگر کسی فلان کار را ادامه دهد، گویا به تمام تورات عمل کرده است. حضرت عیسی فرمود که اگر کسی فلان کار را انجام دهد، گویا به تمام انجیل عمل کرده است. نوبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسید و حضرت فرمود: "هرکسی زبان خود را اصلاح کند و از این زبان جز حرف و کلام درست خارج نشود، گویا به تمام قرآن عمل کرده است."

بنابراین حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید: اولین ویژگی متقین گفتار راست است. حضرت بیش از دویست ویژگی برای متقین می‌شمارد ولی اولین ویژگی گفتار راست است به دلیل اینکه دارای اهمیت بیشتری است. ما هم تلاش می‌کنیم مقداری بیشتر در اینجا توقف کنیم.

به فرموده امیرالمؤمنین در گفتار این افراد جز حق چیز دیگری نیست و جز رضای خداوند عالم چیزی از زبان آنها خارج نمی‌شود. از زبان این افراد گناه، معصیت و ترک اولی صادر نمی‌شود.

سالکان طریقِ اِلی الله هم بر این عقیده هستند که اولین گام برای اصلاح و خودسازی، اصلاح زبان است. کسی که می‌خواهد خود سازی کند، سیر و سلوک الی الله داشته باشد و حرکت به طرف الله را آغاز کند باید زبان خود را اصلاح کند. خداوند متعال می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيه)

ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد.

سوره انشقاق (۸۴): آیه ۶

به فرموده این آیه شریفه انسان در حال حرکت به طرف الله و کمال مطلق است و عاشق اوست، اما اشتباه گرفته است. انسان می‌پندارد اگر ثروت، کمال، ماشین آخرین سیستم و خانه داشته باشد کامل می‌شود، اما اشتباه می‌کند! تو دنبال یک کمال مطلق هستی. به دنبال یک جمال مطلق هستی؛ تو دنبال یک بزرگی و جمالی می‌گردی که نقص در آنجا راه ندارد ولی راه گم کرده ای.

انبیاء الهی راه را برای ما نشان می‌دهند. خانم «مجتهده امین» در ذیل تفسیر سوره حمد کتابی دارد. او زمانی که به تسبیحات اربعه می‌رسد، تعبیر زیبایی دارد و می‌گوید:

«سبحان الله» به معنای این است که خداوند عالم از هر عیب و نقصی منزّه است. در ذات اقدس الهی هیچ عیب و نقصی نیست، بلکه خداوند از هر عیبی که شما تصور کنید مبرا است. «والحمد لله» به معنای این است که هر کمالی به ذهن شما بیاید، خداوند عالم دارای آن است. خداوند هر برتری که شما تصور کنید را داراست. «و لا إله إلا الله» وجودی که از همه عیبها مبرا باشد و تمام کمالات را داشته باشد فقط یکی است که آن هم «الله»

تعالی است. «الله اکبر» به معنای این است که هرآنچه خداوند را از هر عیبی مبرا هستی و همه کمالات را دارای؛ با عقل و فکر خودم بود. خداوند بسیار برتر از این است.

«اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يَوْصَفَ»

خداوند بالاتر از این است که کسی بتواند او را وصف کند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۱۱۷، ج ۸

اگر زمانی که در طول روز تسبیحات اربعه یا ذکر رکوع را قرائت می‌کنیم حواسمان به این نکات باشد، متوجه می‌شویم که داریم کمال مطلق را جستجو می‌کنیم. در حقیقت ما در طول روز جمال و زیبایی مطلق که همه خوبی‌ها را داراست را جستجو می‌کنیم.

ما می‌گوییم: خدایا هیچ عیبی در وجود تو نیست. در حقیقت ما به دنبال معشوقی هستیم که هیچ عیب و نقصی در وجود او نباشد. ما این صفات را در نماز خود دائماً تکرار می‌کنیم.

مجری:

همچنین در تسبیحات حضرت فاطمه زهرا که به زیبایی صفات خداوند را در کنار هم بیان فرموده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. سی و چهار مرتبه «الله اکبر»، سی و سه مرتبه «الحمد لله» و سی و سه مرتبه «سبحان الله». امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: تسبیحات حضرت فاطمه زهرا بعد از هر نماز برای من محبوب‌تر از هزار رکعت نماز مستحبی است.

بینندگان عزیز ما دقت کنند که تسبیحات حضرت فاطمه زهرا را بعد از نمازهای مستحبی از دست ندهند.

مجری:

استاد! ذکر این تسبیحات وقتی از انسان نمی‌گیرد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ذکر این تسبیحات کمتر از یک دقیقه زمان نیاز دارد. لازم به ذکر است که موقع خوابیدن «الحمدلله» ذکر سوم

است و «سبحان الله» ذکر دوم است، اما بعد از نماز «الحمدلله» ذکر دوم و «سبحان الله» ذکر سوم است.

مستحب است انسان تسبیحات حضرت فاطمه زهرا را بخواند و بعد بخوابد. همچنین سه مرتبه سوره توحید

بخواند که به منزله ختم قرآن است و بر رسول گرامی اسلام و همه انبیاء الهی درود بفرستد و بگوید:

«اللهم صلی علی محمد و آل محمد و علی جمیع الأنبیاء و المرسلین»

در آخر آیت الکرسی بخواند که از بلیات شبانه در امان باشد.

مجری:

استاد! ببخشید فرمودید انسان چطور تسبیحات را جابجا بخواند؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در موقع خواب سی و چهار مرتبه «الله اکبر»، سی و سه مرتبه «سبحان الله» و سی و سه مرتبه «الحمدلله»

است. بعد از نماز سی و چهار مرتبه «الله اکبر»، سی و سه مرتبه «الحمدلله» و سی و سه مرتبه «سبحان الله»

است.

مجری:

جای «سبحان الله» و «الحمد لله» با هم جابجا می‌شود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. بنابراین یکی از مواردی که انسان به وسیله آن می‌تواند به طرف الله کمال مطلق حرکت کند، اصلاح زبان است. مادامی که زبان ما اصلاح نشده است، حرکت برای الله و به سوی او هیچ فایده‌ای ندارد. ما هرچه بخواهیم حرکت کنیم، همانند مورچه‌هایی هستیم که دائماً از دیوار بالا می‌رویم و بازهم به پایین پرت می‌شویم. ما باید تلاش کنیم که زبان خود را اصلاح کنیم. اگر زبان اصلاح نشود فایده‌ای ندارد. بنده روایتی را خواندم که بسیار برایم عجیب بود. تقاضا دارم عزیزان به این روایت خوب دقت کنند. «مرحوم شیخ حرّ عاملی» در کتاب «وسائل الشیعه» جلد ۱۲ صفحه ۲۵۲ حدیث ۱۶۲۲۸ روایتی آورده است. در روایت وارد شده است که رسول اکرم به «ابوذر» می‌فرماید:

«يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ مَلَكَ مَا بَيْنَ فَخْدَيْهِ وَ مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ»

یا ابوذر! هرکسی شهوت خود را حفظ کند و بین دو لب خود را حفظ کند قطعاً وارد بهشت می‌شود.

«قُلْتُ وَ إِنَّا لَنُؤَاخِذُ بِمَا تَنطِقُ بِهِ أَلْسِنَتُنَا»

ابوذر گفت: مگر خداوند با کلماتی که از زبان ما خارج می‌شود، ما را مؤاخذه می‌کند؟

«فَقَالَ وَ هَلْ يَكْبُ النَّاسُ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا خَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ»

حضرت فرمود: مگر چیزی غیر از محصولات زبان، بشر را با سر وارد آتش جهنم می‌کند؟!!

معنای فرمایش رسول گرامی اسلام این است که تنها چیزی که بشر را به سمت آتش جهنم واژگون می‌کند، محصولات زبان است.

«إِنَّكَ لَا تَزَالُ سَالِمًا مَا سَكَتَ»

مادامی که ساکت هستید، سالم هستید.

«فَإِذَا تَكَلَّمْتَ كَتَبَ لَكَ أَوْ عَلَيَّكَ»

زمانی که زبان باز کردی و حرف زدی، یا چیزی به ضرر تو و یا به نفع تو نوشته می‌شود.

امکان پذیر نیست که زبان انسان تکان بخورد و چیزی بر علیه انسان یا به نفع انسان نوشته نشود. زمانی که دست انسان تکان می‌خورد می‌خواهد کاری انجام دهد یا زمانی که پای انسان تکان می‌خورد می‌خواهد راه برود. حضرت سپس فرمود:

«يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

ای اباذر! چه بسا انسان کلامی می‌گوید که رضای خداوند در اوست.

«فَيَكْتُبُ لَهُ بِهَا رِضْوَانَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

و خداوند عالم در قیامت برای او رضوان را در نظر می‌گیرد.

رضوان یعنی بالاترین مقام. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً)

تو ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت بازگرد در حالی هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است.

سوره فجر (۸۹): آیات ۲۷ و ۲۸

زمانی که انسان به رضوان الله رسید، همه چیز تمام است. در این صورت انسان نه خوفی از حساب و کتاب دارد و نه خوفی از آتش جهنم دارد. ممکن است انسان کلمه‌ای به زبان آورد که فردای قیامت به برکت این کلمه خداوند عالم به او رضوان عنایت کند.

«وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ فِي الْمَجْلِسِ لِيُضْحِكَهُمْ بِهَا»

گاهی اوقات انسان در مجلسی کلمه‌ای می‌گوید که دیگران را می‌خنداند.

«فِيهِوَي فِي جَهَنَّمَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»

یک مرتبه به اندازه فاصله بین آسمان و زمین در جهنم سقوط می‌کند.

«يَا أَبَا ذَرٍّ وَيْلٌ لِلَّذِي يَخْذُلُ فَيَكْذِبُ لِيُضْحِكَ بِهِ الْقَوْمَ»

ای اباذرا! وای به حال کسی که حرف می‌زند و دروغ می‌گوید تا دیگران را بخنداند.

«وَيْلٌ لَهُ وَوَيْلٌ لَهُ وَوَيْلٌ لَهُ»

وای بر او، وای بر او، وای بر او.

«يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ ضَمَّتْ نَجَا»

ای اباذرا! هرکسی ساکت ماند نجات پیدا کرد.

«فَعَلَيْكَ بِالصُّمْتِ»

تا می‌توانی لب‌ها را (برای صحبت) تکان مده.

در زمان گذشته بعضی از بزرگان سنگی زیر زبان خود می گذاشتند تا نتوانند سخن بگویند. زمانی که می خواستند حرف بزنند، ابتدا فکر می کنند که آیا رضای خداوند در این حرف است یا رضای شیطان است. وقتی یقین می کردند قربهٔ اِلی الله است سنگ را برمی داشتند، حرف می زدند و دومرتبه سنگ را زیر زبانشان می گذاشتند. دوستان عزیز! اینکه ما شنیدیم پل صراط از مو باریک تر و از شمشیر برنده تر است، همین رعایت است. بنده روایت دیگری عرض خواهم کرد که خیلی تکان دهنده است. بینندگان عزیز شما را به حضرت سیدالشهداء سوگند می دهم خوب دقت کنید. حضرت می فرماید:

«مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رِوَايَةً يَرِيدُ بِهَا شَيْئَهُ وَ هَدَمَ مُرْوَعَتَهُ لِيَسْقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ»

هرکسی بر ضرر مؤمن داستانی بگوید و قصدش عیب او و ریختن آبرویش باشد که از چشم مردم بیفتد.

گاهی اوقات انسان با گفتن کلمه‌ای حیثیت مؤمن را به باد می دهد و زندگی او را متلاشی می کند.

«أُخْرِجَهُ اللَّهُ مِنْ وِلَايَتِهِ إِلَى وِلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ»

خداوند او را از دوستی خود بدوستی شیطان براند و شیطان هم او را نپذیرد.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۳۵۸، ح ۱

به خاطر اینکه فرد با آبروی یک مؤمن بازی کرد، زندگی او را از هم پاشاند و شغل او را از دستش گرفت خداوند او را از ولایت خودش بیرون می آورد و وارد ولایت شیطان می کند. شیطان هم او را قبول نمی کند و می گوید من از چنین آدمی بیزارم.

حضرت می‌فرماید: چه بسا یک کلمه از زبان انسان بیرون بیاید و به خاطر آن به اندازه فاصله آسمان و زمین سقوط کند و به جهنم بیفتد. بنابراین پیغمبر اکرم به «ابوذر» می‌فرماید:

«فَعَلَيْكَ بِالصُّمْتِ»

تا می‌توانید ساکت باش و حرفی نزن و لب‌ها را روی هم بگذار.. اگر می‌توانی ذکر خدا بگو در غیر این صورت ساکت باش.

«وَأَلَّا تَخْرُجَنَّ مِنْ فَيْكٍ كَذِبَةً أَبَدًا»

مبادا از لب‌های تو دروغ بیرون بیاید.

«قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا تَوْبَةُ الرَّجُلِ الَّذِي يَكْذِبُ مُتَعَمِّدًا»

ابوذر عرض کرد: یا رسول الله! اگر دروغ گفتیم چطور توبه کنیم؟

«قَالَ الْإِسْتِغْفَارُ وَصَلَوَاتُ الْخَمْسِ تَغْسِلُ ذَلِكَ»

حضرت فرمود: استغفار کنید و نماز پنجگانه خود را درست بخوانید که آثار دروغ را از شما دفع کند.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۱۲، ص ۲۵۲، ح ۱۶۲۲۸

عزیزان دقت کنید خداوند عالم با توجه به اهمیت زبان آیاتی در قرآن کریم بیان فرموده است. ما آیات متعددی در این زمینه داریم که بنده به بعضی از آنها اشاره می‌کنم. یکی از این آیات در سوره مبارکه احزاب آیه هفتاد است.

این آیه خطاب به مؤمنین است و کاری با کفار و مشرکین و مسیحیان ندارد. تنها خطاب به مؤمنین است. خداوند متعال می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بپرهیزید و سخن حق و درست بگوئید.

دستور خداوند است که حرف درست بزنی و گفتار صحیح از لب‌های شما بیرون بیاید. خداوند عالم سپس می‌فرماید:

(يُضِلِّحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ)

تا خدا اعمال شما را اصلاح کند و گناهانتان را بپامرزد.

سوره احزاب (۳۳): آیات ۷۰ و ۷۱

اگر مراقب بودید که از لب‌هایتان کلمات صحیح بیرون بیاید، خداوند عالم اعمال شما را اصلاح می‌کند. شاید مراد از اصلاح اعمال این است که خداوند عالم گناهانتان را تبدیل به حسنات می‌کند و گناهانتان را می‌بخشد. همچنین در سوره مبارکه نساء آیه ۶۳ وارد شده است:

(أُولَئِكَ الَّذِينَ يَغْلُمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَ عَظَّمَهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا)

آن‌ها کسانی هستند که خدا آنچه را در دل دارند می‌داند، از (مجازات) آن‌ها صرف نظر کن، و آن‌ها را اندرز بده و با بیانی رسا نتایج اعمالشان را به آن‌ها گوشزد نما.

سوره نساء (۴): آیه ۶۳

خداوند متعال در این آیه شریفه به پیغمبر اکرم دستور می‌دهد حتی زمانی که با کفار و مشرکین هم صحبت می‌کنی، با گفتار صحیح و درست با آن‌ها صحبت کن. خداوند می‌فرماید: حتی به دشمن هم فحش و ناسزا نده و افترا نزن.

خداوند متعال در سوره اسراء آیه ۲۸ به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

(وَإِمَّا نُرْضِضْ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا)

و هر گاه از آن‌ها (یعنی مستمندان) روی برتابی و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آن‌ها سخن بگو.

سوره اسراء (۱۷): آیه ۲۸

مخالفین و دشمنان نسبت به پیغمبر اکرم می‌گویند:

(يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ)

ای کسی که "ذکر" (قرآن) بر تو نازل شده، مسلماً دیوانه‌ای!

سوره حجر (۱۵): آیه ۶

با تمام این احوالات خداوند عالم می‌فرماید با این افراد با گفتار نرم و آمیخته با لطف سخن بگو. همچنین نسبت به فرعون شاید برای اولین بار در تاریخ بشریت ثبت شد که بنده‌ای گفت:

(أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى)

من پروردگار بزرگ شما هستم!

سوره نازعات (۷۹): آیه ۲۴

ما در تاریخ ندیدیم و نشنیدیم که کسی غیر از فرعون چنین ادعایی کرده باشد. همچنین می‌گوید:

فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أُطْعَمُ إِلَى إِلِهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ

ای هامان آتشی بر گل بیفروز! (و آجرهای محکم بساز) و برای من برج بلندی ترتیب ده، تا از خدای موسی خبر گیرم هر چند من گمان می‌کنم او از دروغگویان است!

سوره قصص (۲۸): آیه ۳۸

مشاهده کنید فرعون انسانی پست است. خداوند به حضرت موسی و هارون مأموریت می‌دهد بروند و او را هدایت کنند. اولین دستور و صدر برگ مأموریت این دو بزرگوار این است:

(اَذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى)

به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است.

(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا)

اما به نرمی با او سخن بگوئید.

مجری:

این فرمایش خداوند نسبت به فرعون است که ادعای خدایی می‌کند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

فرعون که ادعای خدایی می‌کند و به فکر کشتن خداوند است. -البته جای بعضی از کارشناسان وهابی خالی است که ادعا کنند خداوند می‌تواند به دست پیغمبر خود هفت تیر بدهد تا او را بکشد! من نمی‌دانم اگر این آقایان زمان فرعون بودند، آیا به دست او هفت تیر می‌دادند یا نمی‌دادند؟! -

(لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى)

شاید متذکر شود یا از (خدا) بترسد.

سوره طه (۲۰): آیات ۴۳ و ۴۴

اگر ما به دنبال این هستیم که طرف را متنبه یا بیدار کنیم، مستلزم این است که با زبان نرم با او سخن بگوییم. بنده بارها به بعضی از عزیزان توصیه کرده‌ام وقتی می‌خواهید با یک وهابی یا سنی سخن بگویید، اگر ابتدا به مقدسات او توهین کنید و اعتقادات او را زیر سؤال ببرید اصلاً حرف شما را نمی‌پذیرد. شما باید ابتدا با او صحبت کنید و به نرمی بگویید: "ما همه با هم برادر هستیم، همگی گوینده «لا إله إلا الله» هستیم، یک خدا داریم، یک پیغمبر داریم و یک قبله داریم!" خلاصه مقداری با او صحبت کنید و سپس بگویید: "ما احساس می‌کنیم ما دو مسلمان و دو برادر دینی هستیم، اما من یک عقیده دارم و شما عقیده دیگری دارید. من دوست دارم که با هم بنشینیم و دوستانه صحبت کنیم. بنده دوست دارم بینم که اگر عقیده من باطل است، از شما استفاده کنم و عقاید باطل خود را اصلاح کنم. حال اگر خدای نکرده عقاید شما صحیح نیست، من تلاش می‌کنم تا عقاید شما را اصلاح کنم." ما که از پیغمبر اکرم بالاتر نیستیم. آن بزرگوار می‌فرماید:

(وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ)

و ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در گمراهی آشکاری هستیم.

سوره سبأ (۳۴): آیه ۲۴

پیغمبر اکرم می‌فرماید: یا من گمراه و شما هدایت یافته‌اید، یا شما گمراه و من هدایت یافته‌ام. بیایید با هم بنشینیم و صحبت کنیم. این آیه از آیات بسیار مهم قرآن کریم است. پیغمبر اکرم می‌فرماید: اگر شما هدایت

یافته هستید و من گمراه هستم، شما مرا هدایت کنید. اگر من هدایت یافته و شما گمراه هستید، من شما را هدایت می‌کنم.

ببینید چقدر عالی و زیباست!! اگر چنین باشد ما نباید در رسانه‌ها شروع به لعن کردن و فحش دادن کنیم. گویا بعضی افراد احساس می‌کنند شریعت جز فحش و لعن چیز دیگری نیست. ما در سفری که در عاشورا در کربلا بودیم، بعضی از افراد هم حضور داشتند. آن‌ها به ما اعتراض می‌کردند که چرا شما در شبکه خود فلان صحابه را علنی لعن نمی‌کنید و علنی نمی‌گویید فلان صحابه اهل جهنم و کافر است؟! آن‌ها در حرم امام حسین نزدیک ضریح به من اعتراض می‌کردند که چرا شما در شبکه خود به فلان صحابه لعنت نمی‌کنید؟! چرا فلان صحابه را اهل جهنم و کافر نمی‌دانید؟! من نمی‌دانم این شخص به حرم امام حسین آمده است تا این حرف‌ها را بزند. من رویم نشد که بگویم. شما یک روایت از امام حسین برای من بیاورید که حضرت بالای منبر رفته است و علناً چنین حرف‌هایی فرموده باشد.

حداقل به نظر برخی مراجع عظام تقلید مراجعه کنید. به عنوان مثال ببینید که مشرب آیت الله العظمی سیستانی چیست. ایشان اجازه چنین لعن کردن را به ما می‌دهند؟! شما از آیت الله العظمی سیستانی اجازه بگیرید، ما هم اجرا می‌کنیم!

منی‌دانم این افکار در اثر تعالیم نادرست، آموزش‌های غلط یا فکرهای باطل صورت گرفته است که وقتی چندین روایت ضعیف را از گوشه و کنار دیدند چنین ادعایی دارند یا تحت تأثیر تبلیغات بعضی از شبکه‌های منحرف و افراطی چنین تصوراتی می‌کنند.

این افراد تصور می‌کنند تشیع تنها به معنای فحش دادن، لعن کردن و ناسزا گفتن است. ما کاری با هیچ کسی نداریم. ما تابع ائمه اطهار و مراجع بزرگوار هستیم. اگر مراجع ما دستور دهند احترام کنیم اطاعت می‌کنیم و اگر دستور دهند احترام نکنیم باز هم اطاعت می‌کنیم.

اٹمہ اطہار (علیہم السلام) فرمودہ اند: «فللعوام ان یقلدوہ» اگر کسی بہ مراجع اعتراض کند بہ ما اعتراض کردہ است. اعتراض بہ ما اعتراض بہ خداست کہ آن ہم در حد شرک بہ خداست.

بنابراین اولین نکتہ ای کہ بندہ بہ آن اشارہ کردم، این است کہ در کلام حضرت امیرالمؤمنین (سلام اللہ علیہ) اولین ویژگی و اثر از آثار متقین اصلاح زبان است.

مجری:

استاد! اگر شما صلاح بدانید ما مدتی بحث زبان را داشتہ باشیم و ہرچہ مربوط بہ زبان است و ابعاد مختلف آن را در برنامه های مختلف پردازیم، زیرا مشکل جدی و اساسی ہمہ ما ہمین زبان است. زبان سرخ سر سبز را می دہد بر باد! غالب کسانی کہ در روز قیامت جہنمی می شوند، بہ واسطہ ہمین زبان مستوجب چنین سزایی می شوند. شما اجازہ بدهید کہ ما فعلاً در این موضوع باشیم و در مورد زبان صحبت کنیم. یکی از مشکلاتی کہ گاهی اوقات مردم ناخواستہ گرفتار آن می شوند، این است کہ در محافل یا مجالس زمانی کہ دور ہم هستند بحث غیبت را مطرح می کنند. غیبت جزء گناہان کبیرہ است و ما بہ صراحت آیہ ای در مورد غیبت داریم. غیبت از زبان نشأت می گیرد کہ کار انسان را خراب می کند. امشب قدری در خصوص آثار شوم غیبت کہ کم و بیش گاهی گرفتار آن هستیم صحبت بفرمایید.

آیت اللہ دکتر حسینی قزوینی:

در رابطہ با آثار زبان بعضی از بزرگواران تا ہفتاد اثر سوء شمرده اند. اگر توانستیم لیستی از این آثار سوء تہیہ می کنیم، اما خود پنجاہ یا شصت جلسہ بحث نیاز دارد.

یکی از این گناهان بحث غیبت است. معمولاً افراد جامعه ما گرفتار غیبت هستند و به آن توجه هم ندارند. گاهی اوقات به کسی می‌گوییم غیبت نکن، اما او ادعا می‌کند که من در حضور او هم می‌گویم. وقتی جلوی روی او هم می‌گویید، دلیل بر بی‌حیایی شماست. شما هم پشت سر او حرف می‌زنید و هم جلوی روی او حرف می‌زنید.

«شیخ انصاری» در «مکاسب» زمانی که می‌خواهد غیبت را معنا کند، می‌گوید:

«إنها ذکرک أخاک بما یکرهه»

حرفی پشت سر برادر دینی خود بگویی که اگر بشنود ناراحت شود.

کتاب المكاسب، نویسنده: الشيخ الأنصاری، ج ۱، ص ۳۲۱، باب المسألة الرابعة عشر

همچنین اگر از کسی بیش از حد تعریف کنید، به طوری که اگر او بشنود ناراحت شود غیبت محسوب می‌شود. یا بگوییم فلانی فلان روز غذا زیاد خورده است.

به قول «مرحوم کافی» که می‌گویند: "من نمی‌دانم چه گناهی کردم که سر سفره دائماً از من یاد می‌کنند. زمانی که به کسی می‌گویند غذا بخور، او می‌گوید: به اندازه کافی خوردم!! مگر من چقدر غذا می‌خورم که همه می‌گویند به اندازه کافی خوردم!!"

دوستان عزیز اولاً در قرآن کریم در این زمینه روایتی دارد که خیلی عجیب است. خداوند متعال می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

(إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ)

چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است.

(وَلَا تَجَسَّسُوا)

و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید.

(وَلَا يَغْتَبِ بَغْضُكُمُ بَغْضًا)

و هیچیک از شما دیگری را غیبت نکند.

(أَيُّ حِسْبٍ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكَلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ)

آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید.

مشاهده کنید چقدر این کار زشت است. به عنوان مثال کسی از دنیا رفته است و شما باید تکه‌ای از گوشت او را جدا کنید و بخورید. به قدری انسان از این کار تنفر دارد که اصلاً تصور آن هم انسان را مشمئز می‌کند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

غیبت کردن همانند این است که گوشت برادر مرده خود را بخوری. خیلی تعبیر عجیبی است!

(فَكَرِهْتُمُوهُ)

شما که حاضر نیستید گوشت بدن برادر مرده خود را بخورید، غیبت هم نکنید. غیبت به معنای خوردن گوشت برادر دینی شماست که مرده است.

(وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ)

تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

سوره حجرات (۴۹): آیه ۱۲

همچنین در روایتی که از کتاب «کافی» جلد ۲ صفحه ۳۵۸ خواندیم، وارد شده است که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رِوَايَةً يَرِيدُ بِهَا شَيْئَهُ وَ هَدَمَ مُرُوعَتَهُ»

هر که بر ضرر مؤمن داستانی بگوید و قصدش عیب او و ریختن آبرویش باشد.

ولو اگر کاری راست هم باشد، خداوند عالم او را از دوستی خود می‌راند و به دوستی شیطان می‌کشاند، اما شیطان هم او را قبول نمی‌کند. به عنوان مثال شخصی در جایی تجدید فرارش کرده است. اگر فوری به همسر و بستگان او خبر بدهید زندگی او از هم متلاشی می‌شود.

همچنین اگر کسی خطایی دیده است. به عنوان مثال کسی در جایی کار اشتباهی کرده است. اگر اشتباه او را دائماً اینطرف و آنطرف بگوید علاوه بر غیبت چندین گناه دیگر را هم مرتکب شده است.

«لِيَسْقُطَ مِنَ أَعْيُنِ النَّاسِ»

که از چشم مردم بیفتد.

«أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلايَتِهِ إِلَى وَلايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ»

خداوند او را از ولایت خود به ولایت شیطان براند و شیطان هم او را نپذیرد.

دقت داشته باشید یک کلمه از زبان طرف بیرون آمده است و همین یک کلمه آبروی برادر دینی او را زیر سؤال برده است.

امیرالمؤمنین در کتاب «نهج البلاغه» خطبه ۱۴۰ و ۱۴۱ مطالبی بیان فرموده است. بنده به جهت اینکه به بحث‌های بعد هم برسیم و پیامک‌ها و تلفن‌های بینندگان را هم مطرح کنید، تلاش می‌کنم ترجمه فارسی این خطبه‌ها را عرض کنم. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«وَأِنَّمَا يَتَّبِعِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَزْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ»

شایسته است آنان که مرتکب گناه نشده‌اند و از معصیت در امان مانده‌اند، به گناهکاران و عاصیان رحمت آورند.

گفتنی است مراد از عصمت در اینجا عصمت معصوم نیست، بلکه به معنای پاک بودن است. نباید از کسانی که در حال انجام گناه و معصیت هستند بغض و کینه به دل بگیرید و علیه آن‌ها حرف بزنید. همانطور که یک بیمار نزد پزشک می‌رود و پزشک به چشم بیمار به او نگاه می‌کند، تو هم به شخصی که گرفتار گناه است به چشم بیمار نگاه کن.

«وَيَكُونُ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبَ عَلَيْهِمْ وَالْحَاجِزَ لَهُمْ عَنْهُمْ»

و همواره به درگاه خداوند سپاس گزارند تا سپاس خداوندی، آنان را از عیبجویی گناهکاران باز دارد.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۱۹۷، خ

۱۴۰

اگر دیدیم شخصی دروغ می‌گوید، بگوییم: الحمدلله که خدا مرا از دروغ مصون داشته است. اگر دیدیم فلان شخص غیبت می‌کند، بگوییم: الحمدلله خداوند به ما توفیق داد و غیبت نکردیم. اگر دیدیم فلان شخص به نامحرم نگاه می‌کند، بگوییم: الحمدلله که خداوند به ما توفیق داد به نامحرم نگاه نکردیم. اگر دیدیم فلان شخص ربا می‌دهد یا ربا می‌گیرد، خدا را شکر کنیم که به ما توفیق فکر نکردن به این گناه را داده است. اولین

وظیفه ما زمانی که صاحبان گناه را می‌بینیم، این است تا خدا شاکر باشیم که ما را دچار آن گناه نکرده است. در روایت وارد شده است که اگر شخص نابینایی را دیدیم، بلافاصله بگوییم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَ لَوْ شَاءَ فَعَلَ»

خدا را شکر که مرا از این بیماری عافیت داده است، اما اگر می‌خواست هم انجام می‌داد.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ۲، ص

۹۷، ج ۲۰

اگر می‌بینی واقعاً کسی بیمار است یا گرفتاری دارد، بگوئید: الحمدلله که ما از این بیماری و این نقص عافیت داریم.

دوستان عزیز دقت کنید در روایت داریم وقتی می‌بینید بنده خدایی نابینا یا ناشنوا یا لال است یا دست ندارد، پا ندارد یا نقص عضو دیگری دارد، همان لحظه خدا را شکر کنید و بگوئید: الحمدلله که مرا از این بلا مصون داشتی.

خداوند عالم بنا به این شکر تو همان مقدار پاداشی که به نابینا به خاطر نابینایی او می‌دهد به تو می‌دهد. اگر دیدید شخصی پا ندارد و با مشکلات زیادی روی ویلچر نشسته است، همان لحظه خدا را شکر کنید و بگوئید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَ لَوْ شَاءَ فَعَلَ»

خداوند هر پاداشی که قرار است به این شخص به خاطر نقص عضوش بدهد، به سزای شکر تو به تو خواهد داد.

مجری:

استاد! اگر کسی متن شکری که گفتید را نتواند بگوید و تنها الحمدلله بگوید کفایت می‌کند؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شخص بگوید: الحمدلله که خدا مرا از این بلا عافیت دادی و گرفتار این بلا نکردی، اما اگر می‌خواستی می‌کردی. کلماتی که ائمه اطهار می‌فرمایند تأثیر دارد.

مجری:

یعنی بگوییم خدایا اگر می‌خواستی، می‌توانستی مرا همانند او نابینا کنی!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، باید بگوییم: اگر می‌خواستی می‌توانستی مرا نابینا کنی یا دچار نقص عضو کنی. خدایا تو را شاکرم که مرا از این بلا عافیت دادی و گرفتار این بلا نکردی، اما اگر می‌خواستی می‌کردی. این مضمون کلام امام است، اگر این مضمون را گفتید، خداوند عالم پاداشی که قرار است فردای قیامت به خاطر نقص عضو به او بدهد به تو می‌دهد. اگر می‌بینید کسی جوان خود را از دست داده است، بگویید: الحمدلله رب العالمین که جوان من از دست من نرفته است، اما اگر می‌خواستی او را می‌گرفتی. در این صورت خداوند ثوابی که قرار است به این فرد به خاطر مصیبت و از دست دادن جوان بدهد، به تو می‌دهد.

آقای اسماعیلی ما باید مقداری راه بندگی را یاد بگیریم. خداوند عالم همه چیز را برای ما آماده کرده است.

مجری:

استاد! سخت هم نیست. بنده همین الآن نسبت به این موردی که شما فرمودید فکر می‌کردم. زمانی که انسان در کوچه یا خیابان در حال راه رفتن است و می‌بیند کسی نابینا یا ناشنوا یا دچار نقص عضو است، تنها یک جمله به زبان آورد و از قلبش بگذراند.

در این حال بگوییم: خدایا از تو ممنونم. تو می‌توانستی مرا نابینا یا ناشنوا کنی و این توان را داشتی، اما به من لطف کردی و نعمت را دادی و من تو را شکر می‌گویم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در این صورت یک مرتبه ثوابی نصیب انسان می‌شود که اصلاً فردای قیامت مبهوت می‌ماند. عرض کردم فردی عزیز خود را از دست داده است و دارد می‌سوزد و آتش می‌گیرد.

در مقابل فرد دیگر با مشاهده مصیبت او خدا را شکر می‌کند که چنین مصیبتی بر او وارد نشده، زیرا اگر خداوند می‌خواست می‌توانست این مصیبت را بر او هم وارد کند. چنین شخصی خدا را شکر می‌کند که او را از این مصیبت معاف کرده است. البته در روایت وارد شده است مبادا شکر خود را بلند بگوییم که به گوش او برسد و او ناراحت شود. در کتاب «حلیة المتقین» اثر «علامه مجلسی» و همچنین کتاب «وسائل الشیعة» و «بحار الانوار» وارد شده است که وقتی خداوند را شکر می‌کنید، طوری شکر کنید که به گوش فرد مصیبت دیده نرسد و ناراحت نشود. به عنوان مثال چنین نباشد که فردی به مجلس عزای فرزند شخص دیگری شرکت کرده است و بلند بلند خدا را شکر کند که الحمدلله فرزند من را نگرفتی. چنین شکر کردن در مقابل فرد مصیبت دیده باعث می‌شود که قلب او بیشتر بشکند و ناراحت شود. همچنین نباید زمانی که فرد نابینایی دیدیم در مقابل او خدا را شکر کنیم که ما را هم همانند او نابینا نکرده است. باید حواسمان باشد تا اگر می‌خواهیم ثواب کنیم، کباب نکنیم. بنابراین حضرت می‌فرماید: ما باید تلاش کنیم که زبان شاکر داشته باشیم.

سپس می‌فرماید کسی که از برادر خود عیب جوئی می‌کند و برادر دینی خود را به خاطر بعضی از گرفتاری‌ها شماتت می‌کند، آیا فکر نمی‌کند که خداوند عالم چه گناهایی از او پرده پوشی کرده است، در صورتی که گناهان او بسیار بالاتر از گناه برادر دینی اوست که دارد او را شماتت می‌کند.

به عنوان مثال اگر فردی شروع به غیبت می‌کند و ما هم او را شماتت و ملامت کنیم، اگر او غیبت کرده است تو هم غیبت کرده‌ای؛ غیبت نکرده باشی، چقدر دروغ گفتی! چقدر سر زن و بجهات داد زدی؛ چقدر بچه را بدون گناه کتک زدی! گناه دیگری مرتکب شدی.

ما باید به جای اینکه به فکر شماتت و سرزنش طرف دیگر به خاطر گناه باشی، باید به فکر گناهی باشی که از تو سر زده است اما خداوند عالم پرده پوشی کرده است.

ما باید به جای سرزنش فرد گناهکار خود را سرزنش کنیم و متوجه باشیم که ما هم این گناه را مرتکب شدیم، اما خداوند عالم گناه ما را همانند گناه او علنی نکرده است.

برادر دینی خود را سرزنش نکنید؛ چه بسا خداوند عالم گناه او را ببخشد، اما گناهی که شما مرتکب شدید و برای آن استغفار نکردید را نبخشد. کسی که خود سراپا عیب است، مگر می‌تواند نسبت به دیگران عیب جویی کند.

همچنین حضرت در خطبه ۱۴۱ فرمایش زیبایی دارند و می‌فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَ مِنْ أَخِيهِ وَثِيْقَةَ دِينٍ وَ سَدَادَ طَرِيقٍ فَلَا يَسْمَعَنَّ فِيهِ أَقْوِيلَ الرَّجَالِ»

ای مردم آنکه بداند برادرش در دین ثابت قدم و استوار است و به راه راست می‌رود، نباید به بدگویی‌های مردم در حق او گوش فرا دهد.

زمانی که برای شما محرز شد فلان شخص انسان متدین و درستکاری است، به سخن دیگران در حق او گوش فرا مده. هر انسان درستکاری در جامعه هزاران حسود دارد که در کارهای او دخالت می‌کنند و نسبت به او سعایت می‌کنند. در روایت وارد شده است که اگر هفتاد نفر شهادت دهند فلان شخص کار خلاف مرتکب شده است، اما خود او منکر باشد

«صَدَقَهُ وَكَذَّبَهُمْ»

این انسان مؤمن را تصدیق کن و هفتاد نفر را تکذیب کن.

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الأُصول من الکافی، ج ۸، ص ۱۴۷، تحقیق: غفاری، علی اکبر ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

در روایت دیگری وارد شده است که اگر از برادر دینی خود کار خلاف مشاهده کردی، تلاش کن کار او را توجیه کنی.

به عنوان مثال اگر او را مشاهده کردید که از شراب فروشی خارج می‌شود، با این نیت او را بنگرید که حتماً رفته تا او را نصیحت کند. شما باید کار او را هفتاد نوع توجیه کنید، مبادا به ذهن شما خطور کند که او به آنجا رفته تا شراب بخورد. همچنین اگر بوی شراب از دهان او خارج شد با خود بگویید حتماً او شراب را سمت دهان خود برده است، اما پشیمان شده توبه کرده و شراب را ریخته است. نسبت به کار برادر خود هفتاد مورد توجیه درست کن، اما اگر این توجیهات تو را قانع نکرد خود را مذمت کن که چقدر انسان بدی هستی که نمی‌توانی کار برادر دینی خود را توجیه کنی.

مجری:

وای به حال انسان‌هایی که از کار خطا و گناه و اشتباه دیگران فیلم می‌گیرند، در فضای مجازی منتشر می‌کنند و چنین با آبروی مردم بازی می‌کنند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این کار یکی از مصادیقی است که امام صادق نسبت به آن فرمود:

«أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وِلَايَتِهِ إِلَى وِلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ»

ما دائماً می‌گوییم چرا دعاهای ما به اجابت نمی‌رسد، در حالی که در روایات وارد شده است وقتی یک غیبت از زبان انسان خارج شود تا چهل روز مانع بالا رفتن دعاهای ما به سمت خداوند متعال می‌شود.

نقل شده است روزی شخصی نزد «مرحوم ملأ حسینقلی همدانی» یکی از عرفای بزرگ می‌آید و از شخص دیگری غیبت می‌کند. «مرحوم ملأ حسینقلی» ناراحت می‌شود و می‌گوید: خدا خانه‌ات را ویران کند که تا چهل روز خانه ما را ویران کردی!!

این مسائل وجود دارد. غیبت را شنیده‌اند. غیبت کردن و غیبت شنیدن هر دو گناه و معصیت است. انشاءالله در فرصت مناسبی در مورد غیبت توضیحاتی مفصلی بیان خواهیم کرد.

به عنوان مثال اگر شما می‌خواهید به مجلسی بروید و احساس می‌کنید شاید در آن مجلس غیبت شود. در این صورت رفتن به آن مجلس خلاف شرع و حرام است.

به عنوان مثال اگر شما می‌خواهید به شهر دیگر بروید و می‌دانید در آن شهر به مجلسی می‌روید که در آنجا غیبت می‌شنوید. در این صورت سفر شما معصیت است و به فتوای بعضی از آقایان باید نماز را تمام بخوانید. اگر مطمئن باشید که آن مجلس گناه و معصیت است و آنجا غیبت انجام می‌شود، باید نماز را تمام بخوانید.

بنابراین امیرالمؤمنین می‌فرماید: اگر نسبت به برادر دینی خود اعتماد پیدا کردی، حرف دیگران را درباره او نشنیده بگیر و از یک گوش داخل و از گوش دیگر خارج کن. سپس فرمود:

«إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ إِلَّا أَرْبَعُ أَصَابِعَ»

بدانید که میان حق و باطل تنها چهار انگشت فاصله است.

«فَسُئِلَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِ هَذَا: فَجَمَعَ إِصْبَاحَهُ وَوَضَعَهَا بَيْنَ أَعْيُنِهِ وَ عَيْنِهِ»

از حضرت پرسیدند: که این به چه معنی است؟ انگشتانش را کنار هم نهاد و میان گوش و چشم قرار داد.

«ثُمَّ قَالَ: الْبَاطِلُ أَنْ تَقُولَ سَمِعْتُ وَ الْحَقُّ أَنْ تَقُولَ رَأَيْتُ»

و گفت: باطل این است که بگویی شنیدم، و حق این است که بگویی دیدم.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۱۹۷، خ

۱۴۱

باطل این است که بگویید من شنیدم چنین می‌گویند و حق این است که بگویید من دیدم.

مجری:

بنابراین اینکه می‌گویند میان حق و باطل چهار انگشت فاصله است به همین معناست.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اگر با گوش خود شنیدی بگو باطل است و توجیه کن، اما اگر با چشم خود دیدی و یقین پیدا کردی مسئله برای شما روشن است و آن حق است. در این صورت شما خود دیدی و می‌توانی قضاوت کنی و در این زمینه حرف بزنی. ما در این زمینه بیشتر باید صحبت کنیم.

مجری:

واقعاً هم جامعه ما به این موضوع نیاز دارد، مخصوصاً زمانی که خانواده‌ها دور هم جمع می‌شویم گاهی اوقات حرفی برای گفتن نداریم جز اینکه باید در مورد کسی حرف بزنیم.

خیلی خوب است که انسان چنین جلساتی را مدیریت کند. هرگاه دیدیم جلسه دارد از طریق یکی از نزدیکان به جلسه غیبت تبدیل می‌شود، گاهی ممکن است پدر باشد، یا مادر باشد یا خواهر، دوست و ... خیلی راحت می‌شود با حفظ حرمت‌ها موضوع بحث و گفتگو را عوض کرد. به نوعی که جمع هم متوجه نشوند غیبت دیگران هم انجام نشود. باید واقعاً ممنون باشیم که خداوند متعال وجودی نازنین چون حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را برای ما عنایت و مرحمت کرده است.

زمانی که پای سفره و سخنان امیرالمؤمنین می‌نشینیم و زانو می‌زنیم چه چیزهایی دستگیر ما می‌شود! مخصوصاً زمانی که خدای ناکرده در زندگی گرفتار هستیم.

حضرت استاد زمانی که داشتند به این نکته اشاره می‌فرمودند که وقتی انسان شخص نابینا یا دچار نقص عضو را دید، شاکر خدا باشد و بگوید: "خدایا شکر تو را می‌گویم که این مصیبت و بلا را به ما ندادی و اگر می‌خواستی می‌توانستی ما را دچار آن کنی"، یاد سفر حج افتادم.

بنده در مسجد الحرام می‌نشستم و به آدم‌هایی که دور خانه کعبه طواف می‌کنند یا نماز می‌خوانند، نگاه می‌کردم. من می‌گفتم: الهی شکر. من هم می‌توانستم همانند این افراد با یک سری آداب نماز بخوانم و هم می‌توانستم همانند برخی از آن‌ها ولایت مولا امیرالمؤمنین را نداشته باشم، اما تو این لطف و محبت را کردی و ولایت و محبت امیرالمؤمنین را به ما دادی!!

این مسائل هم نعمت‌های بزرگی است. همیشه فکر نکنیم فقط همان نعمت‌هایی که گاهی به آن اشاره می‌کنم نعمت است. نعمت ولایت امیرالمؤمنین و محبت حضرت صدیقه طاهره و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت نعمت بسیار بزرگی است. مشاهده کنید عشق به ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) در این ایام چه می‌کند. کم کم عطر و بوی اربعین به مشام می‌رسد. مشاهده کنید چه اتفاق عظیمی در واقعه عظیم اربعین و همایش پیاده‌روی نجف تا کربلا می‌افتد. همچنین مردم از جاهای مختلف عراق خود را به کربلای معلی می‌رسانند و هرآنچه

خداوند به ما لطف و عنایت کرده باید شاکر آن باشیم. کمترین کار این است که انسان به زبان بگوید: الحمدلله رب العالمین.

شکر بسیاری از نعمت‌های دیگر این است که از آن خوب استفاده کنیم. به عنوان مثال با چشم خوب بینیم، باید با گوش خوب بشنویم، باید با زبان خوب حرف بزنیم.

امشب، شب جمعه است. شب رحمت و شب مغفرت درهای رحمت الهی به روی بندگان باز است. الهی الحمدلله رب العالمین.

«الهی و ربی من لی غیرک»

الطوسی، الشیخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن _متوفای ۴۶۰ق_، مصباح المتهجد، ص ۸۴۶، ناشر : مؤسسة فقه الشیعة - بیروت - لبنان، چاپ : الأولى، سال چاپ : ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱ م

فرازهایی از دعای کمیل

این دعا بخشی از مناجات‌های امیرالمؤمنین است که در «دعای کمیل» می‌خوانیم. ما چقدر چیزهای خوب داریم که گاهی اوقات قدر آن را نمی‌دانیم. «دعای کمیل» یادگار امیرالمؤمنین است و چه فرازهای زیبایی دارد. حضرت چقدر زیبا با خداوند مناجات و درد دل می‌کند و حرف‌های دل خود را می‌زند. میان برنامه زیبایی که دوستان برای شما انتخاب کرده بودند، درواقع فرازهای «دعای کمیل» ماست.

این دعا نهایت بندگی در مقابل خداوند و گفتگوی با خداوند عزیز و بخشنده و مهربان است. الهی شکر! الحمدلله. ان شاءالله اگر امشب در این شب جمعه حال خوشی به شما دست داد و دعای کمیل را خواندید ما را هم دعا کنید. علی الخصوص امشب شب زیارتی حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) است. چقدر این دو

مناسبت خوب شب‌های جمعه در کنار هم قرار می‌گیرد؛ هم ذکر و مناجات و گفتگو و هم زیارت امام حسین که ارواح انبیاء و اولیاء و شخصیت‌های عالم مهمان سیدالشهدا هستند.

تماس بینندگان برنامه:

ما از این لحظه در خدمت شما دوستان خوب بیننده هستیم. ان‌شاءالله بزرگواری بفرمایید حول محور همین مباحث، مطالب خود را مطرح کنید و سؤالات خود را پرسید.

ما در یکشنبه شب‌ها که خدمت شما می‌رسیم گفتگویمان محضر استاد حاج آقای قزوینی همان مباحث شب‌ها و وهابیت است.

دلمان می‌خواهد شب‌های جمعه که بحث اخلاق علوی را داریم حول محور مباحث اخلاقی باشد. اگر شما بزرگواری بفرمایید سؤالات خود را به این شکل مطرح کنید، ممنون می‌شوم.

جناب آقای هاشمی از پایتخت ایران اسلامی، تهران پشت خط هستند. آقای هاشمی سلام به شما، شب شما بخیر:

بیننده (آقای هاشمی از تهران - شیعه):

سلام علیکم، خسته نباشید.

مجری:

خیلی ممنون و متشکرم، بفرمایید.

بیننده:

خدمت حاج آقای قزوینی هم سلام عرض می‌کنم. حاج آقا شبهه‌ای برایم به وجود آمده بود که می‌خواستم از شما بپرسم. بنده دیروز با یک بنده خدا صحبت می‌کردم. ایشان گفتند: حکومت اسلامی تا غیبت کبری امام زمان درست نیست. روایت صحیحی هم در میان روایت‌هایی که از امامان معصومین است، وجود ندارد که حکومتی بعد از امام زمان حکومت اسلامی باشد. حقیقتاً برای بنده مقداری شبهه به وجود آمد و تنها کاری که کردم این بود که با «شبکه جهانی ولایت» تماس داشته باشم. بنده چند سال است که «شبکه جهانی ولایت» را نگاه می‌کنم و با خود گفتم که تماس داشته باشم تا حاج آقا ما را بهتر راهنمایی کند.

مجری:

آقای هاشمی خیلی از شما ممنونم. اجازه بفرمایید که ما از حضور شما مرخص شویم، با شما خداحافظی می‌کنم. بنده ابتدای پخش تلفن‌ها عرض کردم که اگر بزرگواری بفرمایید حول محور اخلاق علوی سؤال بپرسید، ممنونم.

بنده عرض کردم که مباحث پنجشنبه شب ما در «اخلاق علوی» مباحث اخلاقی است و ما برنامه «پرسمان اعتقادی» با حضور «استاد محمدی» در چهارشنبه‌ها داریم. همچنین در یکشنبه شب‌ها در برنامه «حبل المتین» به شبهات پاسخ می‌دهیم.

شما همچنین می‌توانید مباحث مهدوی را جمعه شب‌ها در برنامه «گامی به سوی ظهور» دنبال کنید و سؤالات خود را بپرسید.

استاد سؤال ایشان این بود که از قول یک نفر گفتند: برپایی حکومت اسلامی در زمان غیبت درست نیست و نباید برپا می‌شد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اصلاً هدف از ظهور حضرت تأسیس حکومت اسلامی است. حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) برای چه می‌خواهند ظهور کنند؟! آیا حضرت می‌خواهند بیایند به ما مسئله یاد بدهد یا نماز یاد بدهد؟!!

«يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۳۴۱، ح ۲۱

زمانی که حضرت ولی عصر ظهور می‌کند، حکومتی تأسیس می‌کند که عدالت آن فراگیر است و همه جا را فرا می‌گیرد.

مجری:

ایشان سؤال پرسیده است که قبل از ظهور امام زمان نباید حکومتی به عنوان حکومت اسلامی برپا شود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

چنین نیست. ما روایات در این زمینه زیاد داریم مبنی بر اینکه قبل از حکومت حضرت مهدی افرادی می‌آیند و حکومت اسلامی تشکیل می‌دهند، اما حکومت فراگیر نیست و نمی‌تواند آنچه را که می‌خواهند پیاده کنند. ما روایات زیادی داریم که افرادی می‌آیند و می‌گویند که ما می‌خواهیم حکومت اسلامی پیاده کنیم، اما آن اسلام واقعی و فراگیر که عدالت همه جا را فرا بگیرد را نمی‌توانند برپا کنند.

حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) می‌آید تا عذری برای کسی باقی نماند که بگویند: اگر من حکومت تشکیل می‌دادم عدالت فراگیر داشت، اگر من بودم چنین می‌شد.

حضرت به حاکمان عربستان سعودی، پاکستان، اردن یا دیگر بلاد می فرمایند که برای تشکیل حکومت اسلامی چه اقداماتی انجام دادند. همچنین در حکومت اسلامی ایران اگر اسلام به معنای واقعی کلمه پیاده می شد، این همه گناه و معصیت و حیف و میل بیت المال نبود.

خود امام راحل هم فرمود: ما به طرف اسلامی شدن حرکت می کنیم، اما در زمان حضرت ولی عصر یک کار نادرست نمی بینید.

برادر بزرگوارم در کتاب «بحار الانوار» اثر «علامه مجلسی» جلد ۵۱ وارد شده است که پیغمبر اکرم فرمود:

«الْمَهْدِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»

حضرت مهدی است که عالم را از عدالت پر می کند، همانطور که از ظلم و جور پر شده است.

«وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَأَطَالَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي
الْمَهْدِي فَيَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَصْلِي خَلْفَهُ»

قسم به خدایی که به حق مرا به پیغمبری برگزید اگر از دنیا یک روز هم مانده باشد، خداوند عالم این روز را به قدری طولانی می کند تا فرزندم مهدی بیاید و حضرت عیسی از آسمان می آید و پشت سر او نماز می خواند.

«وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ»

و کره زمین از نور حضرت مهدی روشن می شود و سلطنت او مشرق و مغرب را فرا می گیرد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۱،

ص ۷۱، ح ۱۲

ما باید تلاش کنیم افرادی را بسازیم و برای حکومت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) زمینه‌سازی کنیم. یکی از اوجب واجبات این است که هرکسی می‌تواند با تأسیس حکومت، نشر فرهنگ اهل‌بیت، نشر مسائل اخلاقی، کمک به بیچارگان و دیگر اعمال برای حکومت حضرت مهدی زمینه‌سازی کند.

مجری:

استاد از شما متشکرم. عزیز بعدی که پشت خط ارتباطی ما هستند. جناب آقای عارف از شوشتر هستند. آقای عارف سلام علیکم، شب شما بخیر:

بیننده (آقای عارف از شوشتر – شیعه):

سلام علیکم خدمت شما حاج آقای اسماعیلی عزیز و همچنین آیت الله العظمی قزوینی.

مجری:

آقای عارف در خدمت شما هستیم، بفرمایید.

بیننده:

حاج آقای اسماعیلی چند شبه دارم و می‌دانم که گفتید امشب فقط اخلاق علوی است. من چند بار تماس گرفتم، اما موفق نشدم با شما ارتباط برقرار کنم. می‌خواستم اگر امکان دارد سوالات خود را بپرسم.

مجری:

اشکال ندارد، بفرمایید.

بیننده:

استاد در کتاب «استبصار فی ما اختلف من الاخبار» اثر «شیخ طوسی» جلد یک صفحه ۳۹۵ روایتی وارد شده است که می‌گوید:

«سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَنِ الْبِنَاءِ عَلَى الْقَبْرِ وَ الْجُلُوسِ عَلَيْهِ هَلْ يَضُلُّحُ»

از امام موسی کاظم (علیه السلام) پرسیدم: آیا شایسته هست بر قبر نشست یا چیزی ساخت؟

«قَالَ لَا يَضُلُّحُ الْبِنَاءُ عَلَيْهِ»

حضرت پاسخ داد: نه جایز نیست بر قبر بنا شود.

الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن

الموسوی، ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۱

می‌خواستم بفهمم منظور حضرت در اینجا چیست؟! کارشناسان شبکه‌های وهابی می‌گویند که امام موسی کاظم فرموده است: هیچ بنایی روی قبر جایز نیست.

مجری:

ظاهراً ارتباط ما با آقای عارف قطع شد. استاد سؤال اولشان همین بود، اما ایشان گفتند که چند سؤال دارند. همین روایت را پاسخ بفرمایید، زیرا ایشان سند روایت را هم بیان کردند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

برادر بزرگوارم ما در رابطه با بنای قبور مفصل بحث کردیم. ما روایاتی در رابطه با ساختن یا تعمیر قبر بیان کردیم. اگر قرار باشد هرکسی روی قبر پدرش گنبدی بسازد یا او را تعمیر کند، تمام کره زمین به قبرستان تبدیل خواهد شد! و به هیچ وجه نمی‌شود جلوی آن را گرفت.

ما در بحث‌هایی که قبلاً هم داشتیم، اشاره کردیم که موضوع قبر ائمه اطهار (علیهم السلام) کاملاً از این قضایا مستثنی است و ما روایات متعددی در رابطه با ساختن قبر ائمه اطهار (علیهم السلام) داریم. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در روایتی می‌فرمایند:

«مَنْ جَدَّدَ قَبْرًا أَوْ مَثَلًا مِثْلًا فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص

۱۸۹، ح ۵۷۹

این روایت همچنین در کتاب «معانی الأخبار» صفحه ۱۸۱ وارد شده است. «مرحوم محقق» بعد از نقل اقوال می‌گوید: این روایت از «محمد بن سنان» و «ابو الجارود» نقل شده است که ضعیف است، بنابراین از درجه اعتبار ساقط است.

همچنین «صاحب جواهر» این روایات را در کتاب «جواهر الکلام» جلد ۴ صفحه ۳۳۷ نقل کرده است. آیت الله العظمی خوئی در کتاب «الطهارة» جلد ۹ صفحه ۳۱۱ این روایت را نقل کرده است.

این روایت همچنین در کتاب «التهذیب» جلد ۱ صفحه ۴۸۱، کتاب «کافی» جلد ۳ صفحه ۲۰۲ و کتاب «تهذیب» جلد ۱ صفحه ۴۶۱ این روایات را آوردند. «مرحوم شهید اول» در کتاب «ذکری الشیعة» جلد دوم صفحه ۳۷ این روایات را نقل کرده است.

«شهید ثانی» در کتاب «روض الجنان» جلد دوم صفحه ۸۵۰ این روایت را نقل کرده است. «صاحب ریاض» در کتاب «ریاض المسائل» جلد دوم صفحه ۲۳۸ این روایت را نقل کرده است. «مرحوم نراقی» در کتاب «مستند الشیعة» جلد ۳ صفحه ۲۷۹ این روایت را نقل کرده است.

این روایات در تمامی این کتب بوده است، اما آنچه مهم است این است که در کتاب «تهذیب الاحکام» روایتی وارد شده است. بنده زمانی که در کربلا بودم، در شب تاسوعا این روایت را در رابطه با کسانی که در بازسازی حرم امیرالمؤمنین و امام حسین شرکت می‌کنند، خواندم.

در این روایت وارد شده است که رسول گرامی اسلام به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: یا علی! تو در سرزمین عراق کشته می‌شوی و در آنجا دفن می‌شوی. حضرت عرض کرد:

«یا رَسُولَ اللَّهِ مَا لِمَنْ زَارَ قُبُورَنَا وَ عَمَرَهَا وَ تَعَاهَدَهَا»

یا رسول الله! کسی که قبرهای ما را زیارت کند و آن را آباد کند و با آن قبرها مأنوس باشد چه پاداشی دارد؟

به عنوان مثال اگر کسی امسال قبر را بازسازی کرد و بعد از گذشت بیست سال بازهم نیاز به بازسازی داشت، عهد و پیمان ببندد هر وقت این قبر نیاز به بازسازی داشت آن را انجام دهد.

«فَقَالَ لِي يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَبْرَكَ وَ قَبْرَ وُلْدِكَ بِقَاعِ الْجَنَّةِ وَ عَرَصَةً مِنْ عَرَصَاتِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ نَجَبَاءَ مِنْ خَلْقِهِ وَ صَفْوَتِهِ مِنْ عِبَادِهِ»

حضرت فرمود: ای ابوالحسن! خداوند قبر تو و فرزندان را قطعه‌ای از قطعه‌ها و عرصه‌های بهشت قرار داده است و دل‌های برگزیدگان خلقش و بندگان را مشتاق زیارت شما قرار داده است.

«تَحِنُّ إِلَيْكُمْ وَ تَحْتَمِلُ الْمَذَلَّةَ وَ الْأَذَى فِيكُمْ فَيَعْمُرُونَ قُبُورَكُمْ وَ يَكثُرُونَ زيارتها تَقْرُباً مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ مَوَدَّةً مِنْهُمْ لِرَسُولِهِ»

آن‌ها ذلت و خواری و اذیت را در راه زیارت شما تحمل می‌کنند و قبرهای شما را برای تقرب به خدا و دوستی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آباد می‌کنند و پی در پی قبور شما را زیارت می‌کنند.

«أُولَئِكَ يَا عَلِيُّ الْمَخْضُوضُونَ بِشَفَاعَتِي»

یا علی! فردای قیامت، شفاعت خاص من شامل این‌ها است.

حضرت می‌فرمایند که این افراد شفاعت خصوصی من را دارند، نه شفاعت عامی که گناهکاران را هم شامل می‌شود.

«إِنَّمَا شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص

۵۷۴، ح ۴۹۶۳

پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«أُولَئِكَ يَا عَلِيُّ الْمَخْضُوضُونَ بِشَفَاعَتِي»

در ادامه می‌فرماید:

«وَ الْوَارِدُونَ حَوْضِي وَ هُمْ زُؤَارِي عَدَا فِي الْجَنَّةِ»

و این‌ها وارد برحوض می‌شوند و زیارت کنندگان من خواهند بود.

مجری:

در مورد زیارت امام حسین (علیه السلام) داریم که دعا زیر قبه آن بزرگوار به اجابت می‌رسد. بنابراین باید قبه‌ای وجود داشته باشد تا دعا در آنجا مستجاب شود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

عجیب است که در آخر می‌گوید:

«و لکن حُثَالَةً مِنَ النَّاسِ يَعْبُرُونَ زُؤَارَ قُبُورِكُمْ بِزِيَارَتِكُمْ كَمَا تُعْبِرُ الزَّانِيَةُ بِزِنَاهَا»

جمعی از اراذل مردمان و بدترین خلق خدا زیارت‌کنندگان شما را به سبب زیارت سرزنش کنند چنان که زناکاران را بخاطر زنا سرزنش می‌کنند.

«أَوْلَيْكَ شِرَارُ أُمَّتِي لَا نَالَهُمْ شَفَاعَتِي وَ لَا يَرُدُّونَ حَوْضِي»

این جماعت بدترین امت من‌اند؛ ایشان را شفاعت نخواهم کرد و در حوض کوثر بر من وارد نخواهند شد.

تهذیب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۶،

ص ۲۲، ح ۵۰

همانطور که اصحاب فحشا را مذمت می‌کنند، زائرین قبور شما را هم مذمت می‌کنند.

یکی از وهابی‌ها یک شب می‌گفت: اگر کسی که غذای امام حسین را می‌خورد شراب بخورد، گناه آن کمتر از خوردن غذای امام حسین است!! (این فرد از همان افراد پست و فرومایه هست که) پیغمبر اکرم هزار و چهارصد سال قبل فرموده است افرادی فرومایه عزاداران و زائرین شما اهل بیت را مذمت می‌کنند.

دقت داشته باشید کتاب «الاستبصار» هم از این کتاب گرفته شده است و کتاب مستقلی نیست. روایاتی که در اینجا بوده است و به ظاهر تعارض داشته را در آنجا حل کرده است.

مجری:

استاد از شما تشکر می‌کنم. ارتباط ما هم با آقای عارف قطع شد، البته فرصت برنامه هم به پایان رسید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ایشان زحمت بکشند و یک شب روی آنتن بیایند تا به سؤالات ایشان پاسخ بدهیم.

مجری:

جناب استاد حسن ختام شب جمعه برنامه «اخلاق علوی» دعا بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را به آبروی محمد و آل محمد به ویژه به آبروی حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه)، یاران باوفایش و اهل بیت دل شکسته‌اش سوگند می‌دهیم فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان را نزدیک بگردان. خدایا قلب نازنینش را با قضاء حوائجش و ظهورش مسرور بگردان.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا به حق حضرت سیدالشهداء و اهل بیت گرامیش حوائج حاجت مندان به ویژه حوائج این حقیر، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز به ویژه حوائج ولایت یاوران گرامی را برآورده بنما.

خدایا دعاها را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

مجری:

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خیلی ممنون و سپاسگزار هستم از نگاه‌های مهربان و توجه تک تک شما همراهان خوب و دوست داشتنی و بزرگوار برنامه «اخلاق علوی».

فردا روز جمعه و متعلق است به وجود نازنین آقا، مولا و نور چشممان امام زمان. برای آن یار غائب از نظر دعا کنیم و عرض کنیم:

کاش می‌شد در میان لحظه‌ها

لحظه دیدار را نزدیک کرد

اللهم عجل لولیک الفرج

یا علی مدد، خدانگهدار